

محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی^۱

عباس کوچ نژاد^۲

چکیده

معاهدات مربوط به حقوق بشر، به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و معاهدات اروپایی و آمریکایی حقوق بشر به دولت‌ها اجازه می‌دهند که اجرای برخی از مقررات حقوق بشر را محدود نمایند. این محدودیت‌ها به منظور حفظ امنیت جمعی، نظم، بهداشت یا اخلاق عمومی و یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران اتخاذ می‌شوند. اما اعمال این محدودیت‌ها منوط به رعایت شرایطی سه‌گانه می‌باشد: این محدودیت‌ها باید منطبق با قانون بوده، از هدفی مشروع برخوردار بوده و اعمال آنها بایستی در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، حقوق مدنی و سیاسی، حاکمیت.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۳/۱۰/۲۴

^۲ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی - دانشگاه پاریس ۱۰، نانتر.

مقدمه:

در این موضوع که حقوق و آزادیهای عمومی، مطلق نبوده و برخورداری از آنها، گاه همراه با محدودیتهایی^۳ می‌باشد، شکی نیست بلکه می‌توان گفت که این امر از بدیهیات می‌باشد، چنانکه در قوانین داخلی بسیاری از کشورها، هر جا که از این حقوق سخن به میان می‌آید، بدنبال آن به محدودیتهای آن نیز اشاره می‌شود. در واقع اعمال این محدودیتها به منظور حفظ نظم عمومی، حفظ حقوق دیگران، حفظ امنیت و تمامیت ارضی، برقراری آسایش عمومی، حفظ بهداشت جامعه و نیز حفظ اخلاقیات عمومی در حقوق داخلی برقرار می‌گردند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در فصل مربوط به حقوق ملت، ضمن برشمردن این حقوق، به شرایط اجرا و حدود و ثغور آن نیز اصرار می‌ورزد.^۴

در این مقاله، سعی ما بر آنست که به حقوق تضمین شده در مقررات حقوق بشر بین‌المللی پرداخته و محدودیتهای مندرج در معاهدات بین‌المللی راجع به حقوق بشر، مورد بررسی قرار گیرند. البته این امر بی‌ارتباط با نظام حقوقی داخلی نمی‌باشد، چرا که دولتهایی که عضو این معاهدات می‌باشند، می‌باید قوانین داخلی خود را با قواعد بین‌المللی سازگار نمایند.^۵

قبل از هر چیز باید متذکر شد که در واقع منظور از این محدودیتها در اینجا محدودیتهای حقوقی است و شامل محدودیت‌های مادی نمی‌شود. چرا که محدودیتهای مادی به وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشور مرتبط می‌باشد. به عنوان مثال، آزادی بیان، برای کسی که نمی‌تواند بخواند و یا بنویسد، محدود باقی می‌ماند. همچنین باید توجه نمود که محدودیت حقوق با تعلیق آن تفاوت دارد.

الف - تفاوت محدودیت ها با تعلیق حقوق

شایان ذکر است که این محدودیتها، محدودیتهای خاصی^۶ می‌باشند که باید آنها را از محدودیتهای دیگری که در واقع تعلیق^۷ حقوق می‌باشند، تفکیک نمود. البته این محدودیت‌های دوگانه، خود زیرمجموعه محدودیت به معنی عام^۸ آن می‌باشد. تعلیق حقوق تحت عنوان یک بند کلی^۹ در معاهدات عام راجع به حقوق بشر پیش بینی شده است، (ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر). مطابق این بند، دولتها می‌توانند در مواقعی که یک خطر عمومی و استثنایی،

^۳ Restriction

^۴ ر. ک. علی اکبر گرجی. «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، نشریه حقوق اساسی، ش. ۲۰، ص. ۷.

^۵ ایران در سال ۱۳۵۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را به تصویب رسانده و کماکان نیز در عضویت آن باقی مانده است و گزارش‌های دوره ای خود را برای کمیته حقوق بشر ارسال می‌نماید.

^۶ Restriction particuliers

^۷ Dérogation

شایان ذکر است که این کلمه در ترجمه‌های فارسی، به معنی انحراف یا نقض آمده است. اما به نظر می‌رسد که در اینجا معنی تعلیق گویاتر باشد.

^۸ Limitation

^۹ Clause générale

موجودیت کشور را تهدید نماید، برخی از حقوق و آزادیهای مذکور در معاهده را موقتاً معلق نمایند. البته این تعلیق حقوق مستلزم رعایت یکسری شرایط صوری و ماهوی می‌باشند.^{۱۰}

محدودیت‌های ویژه با تعلیق حقوق شباهت‌های زیادی دارند چرا که هر دوی آنها به محدود شدن حقوق و آزادیها منجر می‌شوند. اما این دو مورد، تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند:

الف- محدودیتها^{۱۱}، در شرایط عادی اعمال شده و بصورت دائمی می‌باشند اما تعلیق حقوق در شرایط بسیار استثنایی اعمال شده و بصورت موقتی می‌باشند. به عنوان مثال، هنگامیکه یک کشور در معرض خطر داخلی یا خارجی باشد بطوریکه تمامیت ارضی آن مورد خدشه قرار گیرد، در این حالت می‌توان بطور موقت آزادی بیان و مطبوعات را معلق نمود. اما چنانچه این کشور در معرض خطرهای فوق نباشد و کشور در شرایط عادی باشد آزادی بیان و مطبوعات پابرجا می‌باشد و فقط می‌توان نسبت به اجرای این حقوق قائل به محدودیت‌هایی شد، مثلاً در مطبوعات نمی‌توان به تبلیغ مکاتب فاشیستی یا نازیستی پرداخت.

ب- در محدودیتها، وقتی که یک حق، مورد تحدید واقع شود، به تمامیت این حق نمی‌توان لطمه‌ای وارد نمود. بلکه اجرای آن، بطور جزئی محدود می‌گردد، حال آنکه با تعلیق یک حق، این حق بصورت موقت و بطور کامل، قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد.^{۱۲}

همچنین باید متذکر شد که بعضی از حقوق می‌توانند مورد تعلیق واقع شوند، اما نمی‌توانند مورد محدودیت قرار گیرند. مثلاً حق محاکمه منصفانه یا حق انتخابات آزاد یا حق دسترسی به دادگستری که در هنگام جنگ می‌توان این حقوق را معلق نمود، اما در شرایط عادی نمی‌توان آنها را محدود نمود. اما برخی دیگر از حقوق هستند که هم قابل تعلیق بوده و هم قابل محدودیت. از جمله این حقوق، حق آزادی، حق امنیت، حق برخورداری از دادرسی دو مرحله‌ای در زمینه کیفری، حق مالکیت، حق آزادی تجمع و آزادی بیان می‌باشد.^{۱۳} اما در مورد برخی از حقوق امکان هیچ گونه محدودیتی وجود ندارد که به آنها «حقوق غیرقابل نقض»^{۱۴} می‌گویند و عبارتند از: ۱- حق حیات ۲- ممنوعیت شکنجه، رفتار یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی ۳- منع بردگی. ۴- عدم عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری. در واقع این حقوق تحت هیچ شرایط یا اوضاع و احوالی نمی‌توانند محدود گردند و یا مورد تعلیق قرار گیرند. حتی اگر در حالت وضعیت‌های اضطراری^{۱۵} نیز باشد.^{۱۶}

^{۱۰}Didier Rouget, *Le guide de la protection internationale des droits de l'homme*, La Pensée szuvzge, 2000, p. 72.

^{۱۱} شایان توجه آنکه در این نوشتار منظور از محدودیتها، محدودیت‌های خاص می‌باشند.

^{۱۲} Rusen Ergec, *les droits de l'homme à l'épreuve des circonstances exceptionnelles*, Ed. Bruylznt, 1987, p. 33, 34, 35

^{۱۳} Frédéric sudre, *Droit européen et international des droits de l'homme*, PUF, 2003, p. 202.

^{۱۴}Droits non dérogeables

^{۱۵}Etat de nécessité

^{۱۶}Rusen Ergec, *OP.Cit.* p. 238.

ب - روش‌های وضع مقررات مربوط به محدودیت‌ها در معاهدات راجع به حقوق بشر

در برخی از معاهدات راجع به حقوق بشر با الهام از بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، یک بند کلی راجع به محدودیت‌های وارد، در حقوق بشر، پیش‌بینی شده است^{۱۷} که این معاهدات عبارتند از: میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۴)، منشور اجتماعی اروپا (بند ۱ ماده ۳۰)، منشور افریقایی حقوق بشر و مردم (بند ۲ ماده ۲۷)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (بند ۲ ماده ۳۲) و پروتکل الحاقی به آن، موسوم به پروتکل سان سالوادور (ماده ۵) و اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر (ماده ۲۸). اما باید یادآور شد که تعیین یک بند کلی در معاهدات مذکور، مانع از آن نشده است که به دنبال برخی از حقوق، بندهای خاصی نیز پیش‌بینی شود که به تهدید این حقوق پردازند^{۱۸}. اما در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۹} و نیز کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۲۰} از روش فوق پیروی نشده است. بدین معنی که بجای وضع یک بند کلی راجع به محدودیت‌ها، سعی گردیده که در مورد برخی از حقوق ضمن شناسایی آنها به محدودیت‌های آن نیز در یک بند خاصی اشاره شود. هدف از محدودیت‌ها، فارغ از نحوه وضع آنها، پیشگیری از سوء استفاده از حقوق و آزادی‌های عمومی و نیز حفظ نظم عمومی می‌باشد. که در قسمت بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ج - اهداف محدودیت‌های وارده بر حقوق بشر

با نگاهی اجمالی به مقررات معاهدات راجع به حقوق بشر می‌توان گفت که هدف این محدودیت‌ها آنست که از نهادهای دموکراتیک حفاظت شود که بدین منظور بایستی از سوء استفاده از حقوق جلوگیری شده و نیز از نظم عمومی حفاظت گردد^{۲۱}.

۱- جلوگیری از سوء استفاده از حقوق و آزادیهای شناخته شده:

در این زمینه مقررات معاهدات عام راجع به حقوق بشر^{۲۲}، با الهام از ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، تأکید دارند که هیچ دولت یا فرد یا جمعیتی نمی‌تواند با استناد به حقوق و آزادیهای مندرج در این معاهدات به حقوق و آزادیهای دیگری لطمه زند. شایان ذکر است که در اینجا فقط دولت نیست که از نقض حقوق بشر منع شده، بلکه افراد یا جمعیت‌ها نیز می‌بایستی در این راه گام بردارند^{۲۳}.

در واقع این مقررات ما را به عبارت مشهور «برای دشمنان آزادی، آزادی وجود ندارد» ارجاع می‌دهند، این مسأله در چهارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۱۷) و رویه قضایی آن سخت مورد توجه قرار گرفته است.

^{۱۷}Olivier de Frouville, *l'intangibilité des droits de l'homme en droit international*, pedone, pzis, 2004, p. 98.

^{۱۸}مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶ و ۲۲ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

^{۱۹}بند ۳ ماده ۱۸ راجع به آزادی عقیده در مذهب، بند ۳ ماده ۱۹ راجع به آزادی بیان، ماده ۲۱ در مورد حق تشکیل انجمن، بند ۲ ماده ۲۲ در مورد حق تجمع و حق ایجاد سندیکا، بند ۳ ماده ۱۲ راجع به حق عبور مورد حق خروج از کشور و بند ۱ ماده ۱۴ راجع به سری بودن برخی از جلسات دادگاه.

^{۲۰}ماده ۸ راجع به احترام به زندگی خصوصی و حریم خانوادگی، ماده ۹ راجع به اعمال مذهبی و ماده ۱۱ راجع به آزادی اجتماعات و حق تشکیل انجمن و حقوق سندیکایی.

^{۲۱}F. Sudre, *OP. Cit.* P. 202

^{۲۲}ماده ۵ میثاقین، ماده ۱۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند الف ماده ۲۹ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر.

^{۲۳}F. Sudre, *OP. Cit.* P. 202

بنحوی که نویسندگان کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقصودشان از این تدابیر آن بوده که دموکراسی حفظ شده و با آفات آن که توتالیتاریسم (اعم از کمونیسم و فاشیسم) بوده، مقابله شود و این جریانهای توتالیتار نتوانند به آزادی و حقوق مندرج در کنوانسیون خدشه‌ای وارد سازند.^{۲۴}

در این مورد کمیسیون اروپایی حقوق بشر، تحت تأثیر جنگ سرد، به تفسیر موسع از ماده ۱۷ کنوانسیون دست یازیده بود، که این امر منجر به آن شد که آزادی بیان از محتوا خالی شود و بیانگر آن بود که ایدئولوژی حاکم بر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با وجود احزاب کمونیست در کشورهای اروپای غربی منافات داشته است.^{۲۵} کمیسیون در رأی خود راجع به فعالیت حزب کمونیست آلمان فدرال، اظهار می‌دارد که هدف این حزب آنست که آزادیها و حقوق شناخته شده در کنوانسیون را مورد لطمه قرار بدهد. در نتیجه ممنوعیت فعالیت این حزب را قانونی تلقی نموده بود.^{۲۶} اما این تفسیر موسع، بعدها در رویه قضایی اروپایی، تعدیل شده است. امروزه در واقع اعمال ماده ۱۷ بدین منظور است که آزادی بیان باعث رشد احزاب نازی نشود، چرا که این دکترین توتالیتار با دموکراسی و حقوق بشر مغایرت دارد. همچنین آزادی بیان نباید باعث برانگیختن نفرت یا تبعیض نژادی شود.^{۲۷}

۲- حفظ نظم عمومی

در بسیاری از کنوانسیون‌های راجع به حقوق بشر به دولتها اجازه می‌دهند که به منظور حفظ نظم عمومی، اجرای این حقوق را محدود نمایند. البته در برخی موارد، بدون اشاره به اصطلاح «نظم عمومی»، مصادیق آن ذکر می‌گردد که عبارتند از: امنیت عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی، حمایت از حقوق و آزادیهای دیگر و غیره.^{۲۸} اما نباید فراموش نمود که اعمال محدودیتها به هر منظوری که باشد، مستلزم شرایطی می‌باشد که بدان خواهیم پرداخت.

د- شرایط اعمال محدودیت‌های وارده بر حقوق بشر

همانطور که قبلاً گفته شد، با اعمال محدودیتها به خود حقوق لطمه‌ای وارد نمی‌آید، بلکه دولتها، اجرای این حقوق را محدود می‌نمایند. اما این محدودیتها نباید منجر بدان شود که اساس^{۲۹} و موجودیت این حقوق نقض شود. به همین خاطر دولتها موظفند که شرایطی را مراعات نموده تا آنکه، اساس این حقوق حفظ گردد. در این مورد رویه قضایی اروپایی پیشرفتهای چشمگیری داشته است.^{۳۰}

۱- محدودیت‌ها باید منطبق با قانون باشند:

شکی نیست که مقامات داخلی یک کشور در تهدید حقوق، از آزادی عمل برخوردار می‌باشند. و این آنها هستند که تعیین می‌نمایند در چه ظرف زمانی یا مکانی می‌توان این محدودیتها را بر آزادیها و حقوق اشخاص، اعمال

^{۲۴}Jean- François Renucci, *Droit européen des droits de L'homme*, L.G.D.J. Paris, 1999, P. 371.

^{۲۵}F. Sudre, *OP. Cit.* P. 203.

^{۲۶} req. 205/57, parti communiste d 'Allemagne C/RFA, decision. 20 Juliet, 1957, Ann. I, P. 272 i.

^{۲۷}Decision, 18 Octobre, 1995, Honsix C/Autriche, P. et R, 83B, P. 72.

^{۲۸}F. Sudre, *OP. Cit.* P. 204.

^{۲۹}Substance

^{۳۰} F. Sudre, *Op. Cit.* P. 204.

نمود^{۳۱}. اما اینکه محدودیت‌ها می‌بایستی منطبق با قانون باشند، به معنی مطابقت با قانون داخلی می‌باشد، به عبارت دیگر این قانون داخلی است که به تعریف و شرایط محدودیت‌ها می‌پردازد. لیکن آنچه که در این خصوص اهمیت دارد آنست که این قانون داخلی، خود باید از کیفیتی مناسب برخوردار باشد^{۳۲} و نظارت بر کیفیت قانون داخلی به عهده نهادهای ناظر بر معاهدات حقوق بشر می‌باشد.

منظور از قانون، مفهوم موسع آن می‌باشد. یعنی مجموعه مقرراتی است که لازم‌الاجرا می‌باشند. بنحوی که علاوه بر مصوبات مجلس، مصوبات قوه مجریه و رویه قضایی نیز قانون تلقی می‌شوند. در تأیید این نظر، دادگاه اروپایی حقوق بشر، بر آن بوده تا به عدم تفاوت میان نظام حقوقی عرفی^{۳۳} و نظام حقوقی نوشته تأکید نماید^{۳۴}. در واقع در اینجا؛ مفهوم ماهوی قانون است که واجد اهمیت می‌باشد و نه مفهوم شکلی آن^{۳۵}. کمیته حقوق بشر نیز به نوبه خود از مفهوم ماهوی قانون دفاع می‌نماید^{۳۶}. اما از نظر دادگاه آمریکایی حقوق بشر، مفهوم شکلی قانون واجد اهمیت می‌باشد و معتقد است که قانونگذاری می‌بایستی بوسیله نمایندگان ملت که بطور دموکراتیک و بر طبق قانون اساسی انتخاب شده‌اند، وضع گردد^{۳۷}. به عبارت دیگر از نظر رویه قضایی دادگاه آمریکایی، فقط مصوبات مجلس قانون محسوب می‌شوند و به مفهوم سنتی قانون وفادار مانده است. این امر بدان علت می‌باشد که از اختیارات نامحدود روسای جمهوری کشورهای آمریکای لاتین، تجربیات تلخی بجا مانده بود و این دادگاه خواسته تا دموکراسی را مورد حمایت قرار داده و از سوء استفاده سایر مقامات، علی‌الخصوص مقامات اجرایی، جلوگیری نماید^{۳۸}.

نکته مهم دیگر در مورد قانون داخلی محدود کننده حقوق، آنست که این قانون می‌بایستی از کیفیت لازم برخوردار باشد، بدین معنی که این قانون باید بطور رسمی انتشار یافته، محتوای آن روشن و بدون ابهام بوده و به گونه ای وضع گردد که برای هر شخصی قابل پیش‌بینی باشد. به عبارت دیگر در این قانون جزئیات و شرایط هرگونه محدودیت بر حقوق و آزادیهای عمومی باید ذکر گردد تا اشخاص بتوانند قلمرو و حدود محدودیت‌های خود را بدانند^{۳۹}. مضافاً اینکه قانون باید شفاف بوده و از استبداد در قانونگذاری جلوگیری می‌نماید^{۴۰}. در همین راستا از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، در مورد شنود مکالمات تلفنی، با توجه به شدت لطمه به حریم خصوصی و ارتباطات افراد، این عمل می‌بایست بر طبق قانونی اعمال شود که روشن بوده و جزئیات آن مشخص باشد^{۴۱}.

^{۳۱}Idem. P.204

^{۳۲} Kruslin C/ Frznce, 24 avril, 1990, &17

^{۳۳}Common Law

^{۳۴} Kruslin C/ Frzhce, 24 avril 1990, &27

^{۳۵}Jean – François Renucci, *OP. Cit.* P. 377.

^{۳۶} Comm. h.R, 7/27, 29 Octobre, 1982, Pinkney C/Canada D/37/40, P. 113.

^{۳۷} avis Consultatif, 6/86, 9 mai 1986, Série A. , n.6. The word law in article 300 of the ACHR, HRLJ 1986, P. 231.

^{۳۸} Olivier de Frouville, *OP. Cit.* P. 134.

^{۳۹} Idem. P. 130

^{۴۰} Cour EDH, 26 avril, 1979, arrêt Sundry Times C/ Rcyzume Uni, & 495.

^{۴۱} Kruslin C / France, préc. & 29.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که شرط روشن بودن و قابل پیش‌بینی بودن قانون در جهت حمایت از (اصل امنیت حقوقی)^{۴۲} بوده که این اصل نیز خود از اصل «حاکمیت قانون» ناشی می‌شود^{۴۳}. اما شکی نیست که روشن بودن قانون^{۴۵} در برخی موارد و قلمروها دشوار می‌باشد. چرا که پیچیده بودن و تخصصی بودن این قلمروها و نیز شرایط خاص آنها مانع از آنست که به روشنی پیش‌بینی شود. در این خصوص، دادگاه اروپایی حقوق بشر در چند قضیه اعلام داشته که در امور رقابت تجاری^{۴۶}، مخابرات^{۴۷}، انضباط نظامی^{۴۸} و صنعت داروسازی^{۴۹}، روشن بودن قانون نمی‌تواند مطلق باشد.

۲- محدودیتهای وارده باید از هدفی مشروع برخوردار باشند:

محدودیت‌های وارده بر حقوق و آزادیهای عمومی می‌بایستی در جهت منافع کشور (امنیت ملی، رفاه اقتصادی و آسایش عمومی)، منافع جامعه (امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی) و یا به منظور حمایت از حقوق دیگران باشد.^{۵۰}

تعریف اهداف مشروع فوق‌الذکر، و نیز نظارت بر محدودیتها باعث می‌شود که دولتها نتوانند با توسل به این محدودیتها، حقوق و آزادی‌های اشخاص را نقض نمایند. همچنین این محدودیتها زمانی مشروع خواهند بود که در جهت حمایت از منافع شخصی افراد نباشد بلکه هدفش باید منافع عمومی باشد.^{۵۱}

در خصوص مشروعیت اهداف محدودیتها، رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر غنی می‌باشد. از جمله در مورد حق احترام به حریم خصوصی و خانوادگی افراد، در برخی موارد، نگرانیهای مربوط به سلامت یا تربیت اطفال، ایجاب می‌نماید که بخاطر حمایت از کودک (هدف مشروع) پدر و مادر وی از حق سرپرستی محروم شوند و از کودک در خانواده ای دیگر نگهداری بشود^{۵۲} یا در مورد آزادی بیان، از نظر این دادگاه محکومیت یک روزنامه‌نگار به خاطر ایراد تهمت به یک سیاست‌مدار (حفظ حقوق دیگری) مشروع بوده است.^{۵۳} همچنین، ممنوعیت انتشار خلاصه یک کتاب-نوشته یک مأمور مخفی سابق بریتانیا- را بمنظور (حفظ امنیت ملی)^{۵۴} مشروع دانسته است.

^{۴۲} Le Principe général de la sécurité Juridique.

^{۴۳} État de droit.

^{۴۴} F. Sudre. *OP. Cit*, P. 206.

^{۴۵} La Clavté de la Loi.

^{۴۶} 20 novembre. 1989, Markt interh. Verlag GmbH, A 165, 830.

^{۴۷} 28 mzs. 1990, Gropperz Vzdio AG, A. 173, 868.

^{۴۸} Vereinigung Demokratischer Soldaten Ostervechs et Gubi, 19 decembre 1994, A. 302, 831.

^{۴۹} Cantoni C/ France, 15 novembre 1996.

^{۵۰} F. Sudre, *OP. Cit*. P. 208.

^{۵۱} O. De Frouville, *OP. Cit*. P. 135.

^{۵۲} Riemes 22 zvril, 1992, A. 226 B.

^{۵۳} Obeschlick, 23 mzi, 1991, A 204.

^{۵۴} Observer et Guzdizn, 23 mzi 1991, A. 216.

۳- اعمال محدودیت‌ها باید در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشد:

امروزه در اینکه دموکراسی و حقوق بشر، لازم و ملزوم یکدیگر بوده، شکی نمی‌باشد و وجود هر یک از آنها به تنهایی غیرممکن، چرا که دموکراسی مآلاً به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های عمومی منجر شده و به نوبه خود، رعایت حقوق بشر نیز باعث ایجاد دموکراسی می‌گردد. مضافاً اینکه برخی از مصادیق این دو مفهوم به خصوص در زمینه حقوق سیاسی، مشترک می‌باشند.

اما لازم به ذکر است که شرط دموکراتیک بودن جامعه برای اعمال محدودیت‌ها بر مقررات حقوق بشر، در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۵۵} با واقعیت‌های کشورهای عضو این میثاق، سازگار نمی‌باشد. چرا که این کشورها نامنجانس بوده و از فرهنگ‌هایی متفاوت برخوردار می‌باشند. بطوریکه حتی برخی از این کشورها اصولاً به دموکراسی اعتقاد ندارند. اما در عوض در جامعه اروپا، مفهوم جامعه دموکراتیک، مهمترین ارزش «نظم عمومی اروپایی» محسوب می‌شود و حقوق بشر اروپایی حول محور آن قرار می‌گیرد^{۵۶} و این امر در مقدمه معاهده اروپایی حقوق بشر مذکور مطرح شده است^{۵۷}. رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر، ویژگی‌های یک جامعه دموکراتیک، را برمی‌شمارد^{۵۸}. از نظر این دادگاه، عوامل سازنده یک جامعه دموکراتیک، عبارتند از: کثرت گرایی^{۵۹}، تساهل^{۶۰} و باز بودن^{۶۱}. همچنین این دادگاه معتقد است که دموکراسی به معنی تسلط همیشگی عقیده اکثریت نیست، بلکه باید توازنی در جامعه باشد و با عقیده اقلیت نیز بایستی با رفتاری متناسب برخورد شده و از موقعیت اکثریت نباید سوء استفاده شود^{۶۲}.

ضروری بودن محدودیت‌ها بدین معنی است که این محدودیت‌ها می‌بایست در پاسخ به نیازهای اساسی یک جامعه اتخاذ شوند و این محدودیت‌های ضروری باید از دو شرط برخوردار باشند، اول آنکه اقدامات اتخاذی باید مناسب با هدفی مشروع بوده و دوم آنکه اقدامات اتخاذی باید با معیارهای دموکراتیک منطبق باشند^{۶۳}. کمیته حقوق بشر نیز در همین راستا در یک قضیه اعلام نموده که دولت خوانده باید برای توجیه اقدامات محدود کننده حقوق، دلایلی را ارائه نماید و این دلایل می‌بایست اساسی بوده و از اهمیت بسزایی برخوردار باشند^{۶۴}. به عبارت دیگر دولت‌ها نمی‌توانند به هر دلیلی به اقدامات محدود کننده دست یازند.

^{۵۵} . مواد ۲۱ و ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

^{۵۶}F. Sudre, *OP. Cit.*, P. 209.

^{۵۷}Philippe Vegleris, Valeur et signification de la Clause dans une société démocratique dans la Convention européenne des droits de l'homme, *Revue droits de l'homme*, 1968, VI P. 227.

^{۵۸}Handyside C/Royaume- Uni, 7 décembre 1976

^{۵۹} Pluralisme

^{۶۰}Tolérance

^{۶۱} Éspirit d'ouverture

^{۶۲} L'arrêt Young, James et Webster, 13 2001, 1982, A. 844.

^{۶۳}J. F. Renucci, *Op. Cit.*, p. 380.

^{۶۴}affaire Beztiz Weismann de Ianza. Et Alcides Lazzarini C/Uroguzy, comm. R. 2/8, 32 avril 1980, A/35/40 (1980), P. 126, 816.

نتیجه:

اعمال محدودیت در اجرای مقررات حقوق بشر، به منظور حفظ نظم عمومی و حمایت از حقوق افراد می‌باشد. زیرا چنانچه حقوق و آزادی‌های عمومی بدون حد و حصر باشند به هرج و مرج در جامعه منجر شده و همچنین در نهایت به خود این حقوق و آزادیها نیز لطمه وارد می‌شود. اما نباید فراموش نمود که اعمال این محدودیت ها می‌بایست بصورت استثنایی انجام گیرد که این امر با رعایت شرایطی که در این نوشتار آمده، امکان پذیر خواهد بود. همچنین باید یادآور شد که بهترین تضمین به منظور آنکه از توسل به محدودیت‌ها، سوء استفاده نشود، آنست که جامعه دموکراتیک باشد، چرا که در این جوامع، آزادی بیان و رسانه‌ها و نیز وجود احزاب مستقل، مانع از آن می‌شود که حکومت‌ها در جهت تقویت قدرت خود، حقوق افراد را نقض نمایند. البته نباید نقش ارکان نظارتی بین‌المللی در زمینه حقوق بشر را نادیده گرفت که در این مورد، البته نظارت دادگاه اروپایی حقوق بشر، نسبت به ارگانهای مشابه، بسیار مؤثر، گسترده و پیشرفته می‌باشد.